

موقعیت ژئوپولیتیک ایران.....

منصور حاتمی‌راد

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

چکیده

ژئوپولیتیک، طرح ریزی امنیت سیاسی یک کشور بر اساس عوامل جغرافیایی است. وسعت سرزمینی، جمعیت، موقعیت دریایی و گذرگاهی، منابع و... از جمله عوامل مؤثر و قابل تحلیل در ژئوپولیتیک هستند. بیش از نیمی از منطقه خلیج فارس به ایران تعلق دارد و حساس‌ترین نقاط استراتژیک این منطقه در کنترل ایران است. وسعت سرزمین، سواحل طولانی، تسلط بر تنگه هرمز، منابع عظیم نفت و گاز و قوار گرفتن به مثابه پلی استراتژیک که دو حوزه ژئوپولیتیک انرژی خزر و خلیج فارس را به هم پیوند می‌دهد، از جمله عواملی است که ایران را به عنوان قدرت برتر و بی‌چون و چرای منطقه و تعیین کننده در معادلات جهانی تثبیت می‌نماید. در این مقاله به اختصار به موقعیت ژئوپولیتیک ایران پرداخته شده است. کلید واژه‌ها: موقعیت، ژئوپولیتیک، ایران.

تعریف ژئوپولیتیک

واژه ژئوپولیتیک از تخصصی‌ترین و با اهمیت‌ترین مفاهیمی است که در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل مطرح است.

این واژه از دو بخش ژئو (Geo) به معنای زمین (مکان) و پولیتیک (Politics) به مفهوم سیاست تشکیل یافته و در زبان فارسی به «علم سیاست جغرافیایی» یا «تأثیر جغرافیایی سیاست و رفتارهای سیاسی»، ترجمه و تعبیر می‌شود.^۱

به بیان دیگر ژئوپولیتیک، دانشی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی را در سیاست ملل بررسی می‌کند؛ همچنین گفته می‌شود؛ ژئوپولیتیک عبارت است از هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیب‌هایی در سطوح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت جهت حفظ و گسترش منافع ملی. با این تعریف، ژئوپولیتیک بیشتر نگاهی فراملتی دارد.^۲

شاید این تعریف که «ژئوپولیتیک طرح ریزی امنیت سیاسی یک کشور بر اساس عوامل جغرافیایی است»، در حال حاضر از اعتبار و مقبولیت بیشتری برخوردار باشد.^۳ در مطالعه موقعیت‌های ژئوپولیتیک در مناطق گوناگون و یا در کشورها معمولاً منابع و امکاناتی که جلب توجه قدرت‌ها را نماید، همانند، منابع طبیعی و معدنی و یا موقعیت جغرافیایی و استراتژیک بر سر راه‌های عمده بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا و یا قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس استراتژیک مورد نظر قرار می‌گیرد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ژئوپولیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی بر سیاست‌های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد.^۴

ایران و حوزه‌های ژئوپولیتیک

کشور ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، شرایط طبیعی و ارزشهای فرهنگی، مهد تمدن آسیا و جهان به شمار می‌آید و در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود رویدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. ایران در پهناورترین و کهن‌ترین قاره جهان یعنی آسیا واقع شده و بخش عمده‌ای از فلات کبیر آسیا را به خود اختصاص داده و دو قاره آسیا و اروپا را به هم وصل می‌کند. از نشانه‌های اهمیت این پل ارتباطی، اشغال این کشور طی دو جنگ جهانی اول و دوم به وسیله نیروهای متخاصم با وجود اعلام صریح بیطرفی از سوی ایران می‌باشد.

علاوه بر موارد ذکر شده، ایران نسبت به کشورهای مجاور خود دارای موقعیتی مرکزی است، به گونه‌ای که در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای و عملکرد ژئوپولیتیک و کارکرد آنها نقش مؤثری ایفا می‌نماید.

حوزه‌های ژئوپولیتیک مرتبط با ایران به طور خلاصه عبارتند از:

۱. حوزه قفقاز و آناتولی: (ایران، ارمنستان، گرجستان، روسیه)؛
۲. حوزه دریای خزر: (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان)؛
۳. حوزه فلات ایران: (ایران، پاکستان، افغانستان)؛
۴. حوزه آسیای مرکزی: (همسایگی ایران با ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان)؛

۵. حوزه خلیج فارس: (ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر، بحرین و عمان)؛

۶. حوزه دریای عمان و اقیانوس هند: (ایران، پاکستان، هند، عمان، امارات متحده عربی).

بنابر تقسیمات ژئوپولیتیک فوق، نقش ایران به دلیل حضور در شش حوزه ژئوپولیتیک در منطقه آشکار می‌شود.^۵

موقعیت جغرافیایی ایران

عامل زمین و جغرافیا همواره، تأثیر زیادی در سیاست و قدرت کشورها داشته است. موقعیت برتری که سرزمین مناسب و سوق الجیشی در اختیار سیاست قرار می‌دهد در مباحث ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهم این موارد عبارتند از:

۱. وسعت

وسعت سرزمین یکی از عوامل مؤثر در ژئوپولیتیک کشورهاست و از منظر سیاسی در ارزیابی قدرت مملوس کشورها در خور توجه است.

ایران سرزمینی است که در نیمکره شمالی و در جنوب غربی آسیا واقع شده است.

سرزمین ایران $\frac{1}{37}$ وسعت قاره پهناور و کهن آسیا را به خود اختصاص داده و در منطقه خاورمیانه بعد از عربستان وسیع‌ترین کشور است و به تنهایی از کل مساحت شش کشور اروپایی آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، هلند و بلژیک بیش تر است.

دسترسی ایران از دو سمت شمال و جنوب به دریا کشور را در موقعیت خاصی قرار داده و مانند پلی حوزه نفتی خزر را به خلیج فارس متصل می‌کند. به اعتقاد برخی از تحلیلگران سیاسی، یکی از عواملی که در دهه ۱۳۵۰ ش / ۱۹۵۰ م موجب شد که ایران در سیاست منطقه‌ای امریکا به عنوان یکی از پایه‌های اصلی دکترین دوستونی نیکسون انتخاب شود، وسعت سرزمینی کشورمان بود.

۲. جمعیت

جمعیت یک کشور از مهم‌ترین عوامل ژئوپولیتیک به حساب می‌آید. میزان جمعیت در دوران صلح یا جنگ عامل عمده‌ای در سنجش قدرت یک واحد سیاسی تلقی می‌شود. البته در تجزیه و تحلیل مسائل ژئوپولیتیک، جمعیت فعال مد نظر است، به گونه‌ای که هر گاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۶۵ سال بیش از ۳۵ درصد کل جمعیت یک کشور را تشکیل دهند، چنین سرزمینی از بهترین و مطلوب‌ترین عوامل ژئوپولیتیک برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است. از چنین عاملی به عنوان «پشتوانه استراتژیک» نام برده می‌شود.^۶ ایران در منطقه خلیج فارس، علاوه بر اینکه از جمعیت جوان، کار آمد و توانمند برخوردار است، از نظر کمی نیز بیشترین جمعیت را در میان کشورهای منطقه در خود جای داده است. به طوری که جمعیت ایران (۷۰ میلیون نفر) از مجموع جمعیت هفت کشور جنوبی خلیج فارس (عربستان، عراق، کویت، امارات، قطر، عمان و بحرین) دو ازنده میلیون نفر بیشتر است.^۷ این جمعیت ۷۰ میلیونی با ۷۰ درصد باسواد می‌تواند نقش مهمی را در معادلات منطقه‌ای با محوریت انسان ایفا کند.

۳. منابع انرژی

از دیدگاه ژئوپولیتیک، قدرت‌های مسلط و برتر جهان در قرن ۲۱ کشورهای هستند که بتوانند بر منابع و خطوط عرضه و انتقال انرژی تسلط داشته باشند. در عصر جهانی شدن که پایه اقتصاد جهانی بر محور انرژی می‌چرخد، کشوری که دارای نفت باشد یا در مسیر عبور لوله‌های نفتی قرار گرفته باشد، از مقام و موقعیت حساسی در عرصه سیاست و اقتصاد جهانی برخوردار است.

امروزه نفت که به ظاهر یک مقوله اقتصادی است به عنوان ابزار و اهرم فشار در آمده و از سیاسی‌ترین موضوعات شناخته می‌شود؛ به طوری که کوچک‌ترین تغییر و تحولات

انرژی در دنیا به جای اینکه در صفحات اقتصادی روزنامه‌ها درج شود، در صفحات سیاسی با تیترو درشت عنوان می‌گردد.

ایران به عنوان اولین کشور تولیدکننده نفت در خاورمیانه، همواره جایگاه و منزلت خاصی را در دنیای پیچیده و پرنوسان صنعت بین‌المللی نفت داشته و از لحاظ داشتن منابع انرژی یکی از غنی‌ترین کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز در سطح منطقه و جهان به حساب می‌آید. به اعتقاد کارشناسان مسائل نفتی، کمتر میدان نفتی در دنیا یافت می‌شود که از حیث وفور نفت، سهولت استخراج و پایین بودن هزینه تولید با میدان‌های نفتی ایران هم‌سطراز باشد. در اختیار داشتن ۱۳ درصد از ذخایر اثبات شده نفت جهان و ۱۵ درصد ذخایر گازی جهان موقعیت ژئوپولیتیک منحصر به فردی را در اختیار ایران قرار داده است.^۸

۴. عمق استراتژیک

ایران از لحاظ شکل جغرافیایی چهار ضلعی نامنظمی است که بزرگترین قطر آن در جهت شمال غربی به جنوب شرقی (بازرگان تا خلیج گواتر) در حدود ۲۲۵۰ کیلومتر و قطر کوچک آن در جهت شمال شرقی به جنوب غربی (سرخس تا خرمشهر) ۱۴۰۰ کیلومتر است.^۹ در دیدگاه نظامی اشغال و تصرف کشوری پهناور با عمق استراتژیک تقریباً امری غیر ممکن به نظر می‌رسد. اگر جغرافیای انسانی را نیز به مؤلفه‌های دفاع طبیعی بیفزاییم، مفهوم استراتژیک بودن سرزمین ایران واقعیت ملموس‌تری می‌یابد.

۵. موقعیت دریایی و گذرگاهی

ایران در منطقه حساس و استراتژیک خلیج فارس قرار گرفته است؛ منطقه‌ای که بزرگ‌ترین منابع انرژی جهان را در خود جای داده و کشورهای صنعتی جهان به شدت به انرژی این منطقه نیاز مندند. آمریکا، اروپا، چین و ژاپن در صد بالایی از نفت مورد نیاز خود را از این منطقه تأمین می‌کنند.

ایران تنها کشور منطقه خلیج فارس است که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل در خلیج فارس و دریای عمان دارد. که طولانی‌ترین و گسترده‌ترین سواحل در بین کلیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس محسوب می‌شود.

حقیقت این است که بیش از نیمی از منطقه خلیج فارس به ایران تعلق دارد و حساس‌ترین نقاط استراتژیک منطقه در کنترل ایران است. مرزهای آبی این سرزمین به دلیل اشراف و تسلط

کامل بر خلیج فارس و تنگه هرمز و بخشی از دریای عمان پیوسته به عنوان قسمتی از یک سیستم ارتباطی، اقتصادی و نظامی بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

تنگه هرمز با طول ۱۸۷ کیلومتر و عرض ۵۵ تا ۹۶ کیلومتر یکی از چهارده گلوگاه استراتژیک و ممتاز جهان و همچنین یکی از هفت گذرگاه دریایی واقع در جهان اسلام است که خلیج فارس را به دریای عمان پیوند می‌دهد و روزانه ۸۰ درصد نفت کشورهای منطقه که بیش از ۲۰ میلیون بشکه است از آن عبور می‌کند.^{۱۰}

تنگه هرمز در تسلط کامل ایران قرار دارد و تهدید یا بسته شدن آن پیامدهای گسترده و جبران ناپذیری در معادلات استراتژیک جهان به جا می‌گذارد و می‌تواند زندگی سیاسی کشورهای منطقه و واردکنندگان نفت را مختل کند و بحرانی جهانی را به وجود آورد.

این تنگه که شاه‌رگ حیاتی جریان نفت از کشورهای صادرکننده حوزه خلیج فارس به نقاط مختلف جهان است، به دلیل تردد صدها کشتی تجاری، نفتکش‌های پهن‌پیکر، کشتی‌ها و ناوهای نظامی، یکی از شلوغ‌ترین تنگه‌ها و آبراه‌های بین‌المللی است. حضور ایران در سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه هرمز و اشراف بر این منطقه یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ثبات موقعیت ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران است.

۶. موقعیت ترانزیتی

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای مشترک‌المنافع، بار دیگر موقعیت راهبردی ایران در حمل و نقل و ترانزیت منطقه افزایش یافت. فروپاشی شوروی شمار کشورهای محصور در خشکی جهان را به ۲۹ کشور رساند. از این مجموعه قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان در آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قفقاز، کشورهای محصور در خشکی هستند که به راه‌های ایران دسترسی آسان دارند.^{۱۱}

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تلاش در راه‌گسترش مناسبات با کشورهای عربی واقع در جنوب خلیج فارس، می‌کوشد تا با افزایش ارتباط میان ژرفای ژئوپولیتیک شمالی خود (قفقاز، دریای خزر و آسیای مرکزی) و خلیج فارس (در ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی‌اش) به مقام بی‌همتای جغرافیایی خود میان این منطقه پویایی بخشد. این حرکت به صورت ایجاد شبکه‌هایی از جاده، راه آهن و لوله‌های نفت و گاز میان خلیج فارس و منطقه خزر - آسیای مرکزی، از راه ایران، خود نمایی می‌کند.

برنامه عظیم ایجاد این شبکه‌ها برای پویا ساختن موقعیت بی‌نظیر جغرافیایی عامل بزرگی است که منافع و نقش آفرینی ایران را در این منطقه گسترش می‌دهد. از همین رو ایران ارتباط ریلی خود را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش داده و با احداث و راه‌اندازی راه آهن بندرعباس - بافق - مشهد - سرخس و تاج خدمات ترابری وسیعی را در اختیار این کشورها قرار داده است؛ افتتاح این راه آهن که شبکه‌های ریلی آسیای مرکزی را از ایران به خلیج فارس و اروپا متصل می‌کند، به عنوان گام بزرگی در پیشرفت ژئوپولیتیک و ژئواسترژیک منطقه مورد استقبال عمومی قرار گرفته است.

این راه آهن که دسترسی به خلیج فارس و اروپا را برای کشورهای منطقه خزر و آسیای مرکزی میسر می‌سازد، می‌تواند در حکم گشوده شدن پنجره‌ای به سوی نقش آفرینی ژئوپولیتیک بسیار پویاتر ایران در گستراندن پیوندهای آینده میان خزر، آسیای مرکزی و خلیج فارس باشد.^{۱۲}

تأسیس این خط آهن موجب کاهش وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به روسیه به عنوان تنها راه ارتباطی با اروپا و دریاهای آزاد جهان شده و این موضوع را بار دیگر به اثبات رسانده که: ایران بهترین، مناسب‌ترین، امن‌ترین و با صرفه‌ترین راه برای صدور نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و خزر به بازارهای جهانی می‌باشد.

چنین اقدامی، نقش محوری در منطقه و در دنیای ژئوپولیتیک نفت و گاز دهه‌های نخستین قرن بیست و یکم را از آن ایران خواهد ساخت و زمینه را برای تشکیل یک گروه‌بندی منطقه‌ای بسیار پر اهمیت آماده خواهد نمود.

نتیجه

۱. موقعیت ژئوپولیتیک ایران، این ویژگی را به کشورمان بخشیده که به عنوان یک هدایت‌کننده مهم منطقه‌ای و بین‌المللی در معادلات سیاسی و جهانی تأثیرگذار باشد و به مثابه یک واحد سیاسی مستقل و درجه اول و مهم، تأثیرات بسیاری بر شکل و چارچوب کلی نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم داشته باشد.

۲. وسعت، جمعیت، عمق استراتژیک، موقعیت دریایی و گذرگاهی جمهوری اسلامی

و تسلط بر سواحل شمالی خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز موجب شده ایران بالاترین و تأثیرگذارترین نقش را در این حوزه ژئوپولیتیک داشته باشد.

۳. خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مخزن نفتی جهان، نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت اقتصادی جهان دارد و نه تنها یک منبع عظیم سوخت است، بلکه یک اهرم عظیم قدرت به حساب می‌آید.

۴. موقعیت بی‌همتای ژئوپولیتیک ایران از یک سو نفوذ و تأثیرات فراوانی بر روی سیاستهای جهانی و منطقه‌ای ایران ایجاد کرده و از سوی دیگر تأثیرات بسزایی بر سیاستهای قدرتهای دیگر در مورد ایران داشته است.

۵. ایران می‌تواند عبور و مرور از تنگه استراتژیک هرمز را که شاه‌رگ حیاتی جریان نفت کشورهای صادرکننده حوزه خلیج فارس به نقاط مختلف جهان است و روزانه ۸۰ درصد نفت صادراتی منطقه از آن می‌گذرد، به شدت محدود نماید.

۶. هر اندازه که توجه بین‌المللی بر روی دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر به عنوان مهم‌ترین حوزه‌های انرژی در قرن بیست و یکم بیش‌تر شود، اهمیت موقعیت ژئوپولیتیک بی‌همتای ایران در میان این دو منطقه به صورت یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر افزایش خواهد یافت.

پی‌نوشتها:

۱. پیروز مجتهد زاده، ایده‌های ژئوپولیتیک و واقعتهای ایران، (نشرنی، ۱۳۷۹) ص ۲۳.
۲. همان، ص ۲۷.
۳. فریدون برکشلی، نگاهی به مسأله نفت در خاورمیانه، نشریه آبادی، ۳۰/۵/۸۴، ص ۳۲.
۴. داریوش مبصر، ژئوپولیتیک و انرژی، نشریه نفت، گاز، پتروشیمی، شماره ۲۰، ص ۱۴.
۵. معصومه طاهری، موقعیت ژئوپولیتیک ایران، روزنامه همشهری، ۱۴/۵/۸۱.
۶. ربیع ربیعی، جغرافیای مفصل ایران، ج اول (اقبال، ۱۳۶۲)، ص ۱۹.
۷. عزت‌اله عزنی، ژئوپولیتیک، (سمت، ۱۳۷۱)، ص ۷۵-۷۳.
۸. محمد رضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، (سمت، ۱۳۷۲)، ص ۱۶۱.
۹. علیرضا بیگدلی، موقعیت ترانزیتی جمهوری اسلامی ایران، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷، ص ۲۵-۲۲.
۱۰. علیرضا خانی، دموگرافی خلیج فارس، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۷۴-۱۷۳، ص ۲۶۲.
۱۱. کریم سبحانی، ژئوپولیتیک جدید دریای خزر، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱۴۰، ص ۵۷.
۱۲. پیروز مجتهد زاده، همان، ص ۴۴۱.